

و نريد ان نمن
 على الذين استضعفوا في الارض
 ونجعلهم ائمه
 ونجعلهم الوارثين

فرهنگ انتظار

۱

شیعه، انتظار و تکالیف منتظران

ابراهیم شفیعی سروستانی

فرهنگ انتظار

۱

شیعه، انتظار،

وظایف منتظران

ابراهیم شفیعی سروسستانی

شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۴۳ -
شیعه، انتظار، وظایف منتظران / ابراهیم شفیی
سروستانی. - تهران: نشر موعود عصر، ۱۳۸۰.

۵۹ ص.؛ ۱۰ x ۳۰ سم. - (فرهنگ انتظار؛ ۱)
ISBN 964-6968-26-0: ۳۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۵۷] - ۵۹؛ همچنین به صورت
زیرنویس.

۱. مهدویت -- انتظار. ۲. محمد بن حسن (عج)،
امام دوازدهم، ۲۵۵ - . -- غیبت. ۳. مهدویت --
احادیث. الف. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

ش۷۳ش/۴/۲۲۴BP

۸۰-۱۵۶۳۵

کتابخانه ملی ایران
محل نگهداری:

☐ شیعه، انتظار، وظایف منتظران

- ☐ نویسنده: ابراهیم شفیی سروستانی
- ☐ ناشر: نشر موعود (مؤسسه فرهنگی موعود عصر)
- ☐ صفحه آرای: محمد جواد محسن زاده
- ☐ چاپ اول: پاییز ۱۳۸۰
- ☐ چاپخانه: پیام
- ☐ شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
- ☐ قیمت: ۳۰۰۰ ریال
- ☐ شابک: ۹۶۴-۶۹۶۸-۲۶-۰

تهران: ص. پ: ۱۱۱ - ۱۷۳۵۱۱
تلفن: ۳۳۵۷۹۲۰ - نمابر: ۳۳۳۲۵۵۲

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۷
پیشگفتار.....	۹
۱. ضرورت انتظار.....	۱۱
۲. فضیلت انتظار.....	۱۵
چرا این همه فضیلت؟.....	۱۸
۳. وظایف منتظران.....	۲۱
۳-۱. شناخت حجت خدا و امام عصر، علیه السلام.....	۲۱
۳-۲. پیراستگی از بدی‌ها و آراستگی به خوبی‌ها.....	۲۷
۳-۳. پیوند با مقام ولایت.....	۳۱
۳-۴. کسب آمادگی برای ظهور حجت حق.....	۳۷
۳-۵. ارتباط با فقها و مراجع تقلید.....	۴۳
۳-۶. دعا برای تعجیل فرج.....	۴۵
۳-۷. بزرگداشت یاد و نام حضرت مهدی، علیه السلام.....	۴۷
۴. نقش سازنده انتظار.....	۵۱
کتابنامه.....	۵۷

سخن ناشر

یکی از مهمترین ویژگی‌های مکتب تشیع، اعتقاد به امام مهدی، علیه‌السلام، به عنوان آخرین حجت خداوند، واسطه فیض الهی و نجات بخش موعود است. براساس این اعتقاد حضرت مهدی، علیه‌السلام، در حال حاضر نیز زنده، شاهد و ناظر اعمال همه جهانیان بویژه شیعیان خود، فریادرس درماندگان و در انتظار روزی است که به فرمان خدا حرکت رهایی بخش و قیام عدالت‌گستر خود را آغاز کند.

با توجه به این اعتقاد موضوع «انتظار» در این مکتب جایگاه خاصی داشته و بخش عمده‌ای از معارف شیعی را به خود اختصاص داده است.

متأسفانه باید اذعان داشت که با وجود جایگاه بلندی که انتظار در مکتب شیعه دارد و علی‌رغم تأکیدها و سفارش‌های فراوانی که از سوی پیامبر اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، و امامان معصوم، علیهم‌السلام، بر موضوع انتظار فرج شده است، شیعیان چنان‌که باید و شاید به این موضوع اهتمام نداشته و توجهی در خور به ابعاد مختلف آن نکرده‌اند. در چند سال گذشته نیز اگرچه اقبال مردم به موضوع مهدویت چندین برابر شده و بویژه از سوی جوانان شور و اشتیاق فراوانی برای شناخت بیشتر این موضوع ابراز می‌شود، اما تلاش مناسبی از سوی حوزه‌های علمیه، نهادهای آموزشی و مراکز علمی و فرهنگی کشور برای آشناسازی نسل جوان با معارف مهدوی صورت نگرفته است و جامعه ما همچنان از نبود آثار

مستند، مستدل و متقن که با زبان روز و متناسب با استعداد و توانایی مخاطبان مختلف ابعاد گسترده موضوع مهدویت و انتظار را تشریح و تبیین کنند، رنج می‌برد. از این رو بر متولیان امور فرهنگی و آموزشی کشور لازم است که بیش از پیش موضوع مهدویت و انتظار را مورد توجه قرار دهند و با برنامه‌ریزی اساسی نیازهای مختلف نسل امروز را در این زمینه برآورده سازند.

با توجه به آنچه گفته شد در مجموعه کتاب‌های «فرهنگ انتظار» تلاش شده است که با استفاده از منابع اصلی و دست اول شیعی، موضوعات مختلف مرتبط با فرهنگ مهدویت؛ مانند غیبت، انتظار، نشانه‌های ظهور و... با زبانی مناسب و امروزمین مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

در کتاب حاضر که به همت محقق ارجمند آقای ابراهیم شفیعی سروسنانی فراهم آمده، زوایای مختلف موضوع انتظار تبیین و تشریح شده است. یکی از مهمترین ویژگی‌های این کتاب دسته‌بندی‌های مناسب آن است که خواننده را براحتی به موضوع مورد نظر خود رهنمون می‌سازد.

در پایان ضمن تشکر از نویسنده محترم این کتاب آرزو می‌کنیم که این اثر مورد قبول حضرت بقیةالله‌الاعظم، ارواحنا له الفداء، واقع شود و بتواند پرسش‌های مختلفی را که در زمینه موضوع انتظار مطرح است پاسخ گوید. ان شاءالله

پیشگفتار

عظمت وجودی و ابعاد مختلف شخصیت حضرت صاحب الامر، علیه السلام، باعث شده است که در طول هزار و اندی سال که از غیبت کبری می‌گذرد، هر گروه از مردم بسته به گرایش‌های خاص اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی که داشته‌اند، از دیدگاهی خاص به تحلیل شخصیت و تعیین جایگاه آن حضرت در عالم هستی پردازند و هر گروه تنها درک و تصور خود از این موضوع را تصور درست و مطابق با واقع از شخصیت آن یگانه هستی تلقی کنند.

در این میان جمعی از اصحاب سیر و سلوک و رهروان طریق عرفان و معنا با طرح موضوع خلیفه الله و انسان کامل و پرداختن به نقش حجت الهی در عالم هستی، تنها به جنبه فرا طبیعی آن وجود مقدس توجه کرده و از سایر جنبه‌ها غفلت ورزیدند.

گروهی دیگر از اصحاب شریعت توجه خود را تنها معطوف به جنبه طبیعی آن وجود مقدس ساخته و ضمن مطرح کردن نقشی که آن حضرت به عنوان امام و پیشوای مردم به عهده دارند هیچ‌گونه مسؤولیتی را در زمان غیبت متوجه مردم ندیدند و تنها تکلیف مردم را این دانستند که برای فرج آن حضرت دعا کنند تا خود بیایند و امور مردم را اصلاح کنند.

عده‌ای هم ضمن توجه به جنبه فراطبیعی و طبیعی وجود مقدس حضرت حجت، علیه السلام، تمام هم و غم خود را متوجه ملاقات با آن حضرت ساخته و تنها وظیفه خود را این دانستند که با توسل به آن حضرت به شرف ملاقات با آن ذات اقدس نائل شوند. اما در این میان گروهی با در نظر گرفتن همه ابعاد که بدان‌ها

اشاره شد، به طرح معنای درست انتظار پرداخته و درصدد تعیین وظیفه و نقش مردم در دوران غیبت برآمدند. در این دیدگاه، هم مسأله خلافت الهی انسان کامل مطرح است، هم به جایگاه و نقش مردم در قبال آن حضرت توجه شده و هم وظیفه‌ای که مردم در دعا برای حفظ آن وجود مقدس و تعجیل در ظهورش دارند از نظر دور داشته نشده است.

شاید بتوان امام راحل امت، قدس سره، را به عنوان درخشان‌ترین چهره از گروه اخیر ذکر کرد. ایشان با صراحت به نقد و بررسی برداشت‌های مختلفی که از مسأله انتظار فرج وجود دارد، پرداخته و دیدگاه خاص خود را در این زمینه چنین مطرح ساختند:

البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم، اگر می‌توانستیم می‌کردیم. اما، چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. ... اما ما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت، علیه‌السلام، ...^۱

ایشان در جایی دیگر نیز درباره مفهوم «انتظار فرج» می‌فرمایند:

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند. و مقدمات ظهور ان‌شاءالله تهیه شود.^۲

برای شناخت جایگاه و مفهوم انتظار در تفکر شیعی برخی از روایاتی را که در این زمینه وارد شده است مورد بررسی قرار می‌دهیم تا روشن شود که:

۱. آیا انتظار ضرورت دارد؟

۲. فضیلت آن چیست؟

۳. چه وظایفی در عصر غیبت بر عهده منتظران است؟

۴. انتظار چه آثاری دارد؟

۱. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۲۰، ص

۱۹۸ - ۱۹۹.

۲. همان، ج ۷، ص ۲۵۵.

۱. ضرورت انتظار

در تفکر شیعی، انتظار موعود، به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی مطرح بوده و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم آل محمد، علیهم السلام، تصریح شده است، که از جمله می توان به روایات زیر اشاره کرد:

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبة روایت کرده است که روزی امام صادق، علیه السلام، خطاب به اصحاب خود فرمودند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ، عَزَّ وَجَلَّ، مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا
إِلَّا بِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ [رَسُولُهُ]، وَ الْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ، وَ الْوِلَايَةُ
لَنَا، وَ الْبِرَايَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا - يَعْنِي الْأَيْمَةَ خَاصَّةً - وَ التَّسْلِيمُ
لَهُمْ، وَ الْوَرَعُ، وَ الْإِجْتِهَادُ، وَ الطَّمَأْنِينَةُ، وَ الْإِنْتِظَارُ

لِلْقَائِمِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۱

آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای، صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی پذیرد؟ گفتم: چرا. فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته پرستشی جز خداوند نیست و اینکه محمد [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] بنده و فرستاده او است، و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما، و بیزاری از دشمنانمان - یعنی خصوص امامان - و تسلیم شدن به آنان، و پرهیزکاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم، علیه السلام.

۲. ثقة الاسلام کلینی در کتاب الکافی روایت می کند که روزی مردی بر حضرت ابوجعفر امام باقر، علیه السلام، وارد شد و صفحه ای در دست داشت؛ حضرت باقر، علیه السلام، به او فرمود:

هَذِهِ صَحِيفَةٌ مُخَاصِمٌ سَأَلَ عَنِ الدِّينِ الَّذِي يُقْبَلُ فِيهِ
الْعَمَلُ. فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ، هَذَا الَّذِي أُرِيدُ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ،
عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ
أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَتَقَرُّ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ
الْوِلَايَةَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ الْبِرَاثَةَ مِنْ عَدُوِّنَا، وَ التَّسْلِيمَ
لِأَمْرِنَا، وَ الْوَرَعَ، وَ التَّوَاضُّعَ وَ انْتِظَارَ قَائِمِنَا، فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً،
إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا.^۲

۱. النعمانی. محمد بن ابراهیم. کتاب الغیبة، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۲۲، ح ۱۳.

این نوشته مناظره کننده‌ای است که پرسش دارد از دینی که عمل در آن مورد قبول است. آن مرد عرض کرد: رحمت خداوند بر تو باد همین را خواسته‌ام. پس حضرت ابو جعفر باقر، علیه‌السلام، فرمود: گواهی دادن به اینکه خدا یکی است و هیچ شریکی برای او وجود ندارد، و این که محمد بنده و رسول او است، و این که اقرار کنی به آنچه از سوی خداوند آمده، و ولایت ما خاندان و بیزاری از دشمنان ما، و تسلیم به امر ما، و پرهیزکاری و فروتنی، و انتظار قائم ما، که ما را دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد آن را خواهد آورد.

۳. شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین از «عبدالعظیم حسنی» روایت می‌کند که:

روزی بر آقایم محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن ابی طالب، علیهم‌السلام، وارد شدم و می‌خواستم که درباره قائم از آن حضرت سؤال کنم که آیا همان مهدی است یا غیر او پس خود آن حضرت آغاز سخن کرد و به من فرمود:

يَا أَبَا الْقَاسِمِ، إِنَّ الْقَائِمَ مِثْلًا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ، وَ هُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي.^۱

ای ابوالقاسم! بدرستی که قائم از ماست و او است مهدی که واجب است در [زمان] غیبتش انتظار کشیده

۱. الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱.

شود و در [زمان] ظهورش اطاعت گردد، و او سومین [امام] از فرزندان من است.

روایات یاد شده و بسیاری روایات دیگر - که در این مجال فرصت طرح آنها نیست - همگی بر لزوم انتظار حضرت قائم در دوران غیبت دلالت می‌کند، اما حال باید دید که انتظار - که این همه بر آن تأکید شده و یکی از شرایط اساسی اعتقاد اسلامی شمرده می‌شود - چه فضیلتی دارد و در کلام معصومین، علیهم‌السلام، از چه جایگاهی برخوردار است.

۲. فضیلت انتظار

در روایات اسلامی آنچه‌ان مقام و منزلتی برای منتظران موعود برشمرده شده که گاه انسان را به تعجب و امید دارد که چگونه ممکن است عملی که شاید در ظاهر ساده جلوه کند از چنین فضیلتی برخوردار باشد. البته توجه به فلسفه انتظار و وظایفی که برای منتظران واقعی آن حضرت بر شمرده شده، سرّ این فضیلت را روشن می‌سازد.

در اینجا به پاره‌ای از فضائلی که برای منتظران قدوم، حضرت بقیه‌الله‌الأعظم بر شمرده شده، اشاره می‌کنیم:

۱. از پیامبر گرامی اسلام، صلی‌الله‌علیه‌وآله، روایت شده است که فرمودند:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ^۱
برترین عبادت‌ها انتظار فرج است.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۲.

۲. همچنین از آن حضرت روایت شده است که:

أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ.^۱

برترین جهاد امت من انتظار فرج است.

۳. مرحوم مجلسی در کتاب بحارالانوار از امیرالمؤمنین،

علیه السلام، نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

إِنْتِظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ
الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ، عَزَّ وَ جَلَّ، إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ.^۲

منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید.

بدرستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند، صاحب

عزت و جلال، انتظار فرج است.

۴. شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین از امام صادق،

علیه السلام، روایت کرده که آن حضرت به نقل از پدران

بزرگوارشان - که بر آنها درود باد - فرمود:

الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.^۳

منتظر امر (حکومت) ما، بسان آن است که در راه خدا

به خون خود غلتیده باشد.

۵. در همان کتاب به نقل از امام صادق، علیه السلام،

روایت دیگری به این شرح در فضیلت منتظران وارد شده است:

۱. الحرّانی، ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبة، تحف العقول

عن آل الرسول، ص ۳۷.

۲. المجلسی، المولى، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

۳. الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، همان، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۶.

طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُتَنْظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ
الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزَنُونَ.^۱

خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش چشم
به راه ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او،
آنان اولیاء خدا هستند، همان‌ها که نه ترسی برایشان هست
و نه اندوهگین شوند.

۶. در روایت دیگری مرحوم مجلسی از امام صادق،
علیه‌السلام، نقل می‌کند که:

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُتَنْظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ
الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ. قَالَ: ثُمَّ مَكَثَ هَنِيئَةً، ثُمَّ قَالَ: لَا بَلْ
كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ. ثُمَّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ^۲.

هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد
همانند کسی است که با حضرت قائم، علیه‌السلام، در
خیمه‌اش بوده باشد. سپس حضرت چند لحظه‌ای درنگ
کرده، آنگاه فرمود: نه، بلکه مانند کسی است که در خدمت
آن حضرت شمشیر بزند. سپس فرمود: نه، به خدا همچون
کسی است که در پیشگاه رسول خدا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،
شهید شده باشد.

۱. همان، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۵۴.

۲. المجلسی، المولوی، محمدباقر، همان، ص ۱۲۶، ح ۱۸.

چرا این همه فضیلت؟

با مشاهده روایات یاد شده ممکن است برای بسیاری این پرسش پیش آید که چرا انتظار از چنین فضیلت برجسته‌ای برخوردار است؟ برای رسیدن به پاسخ مناسبی برای این پرسش چند نکته اساسی را باید مورد توجه قرار داد:

۱. انتظار حلقه اتصال شیعه با امام معصوم: چنانکه می‌دانید «ولایت» و «امامت» رکن اساسی مکتب تشیع است و اعتقاد به ضرورت وجود حجت خدا و امام معصوم در هر عصر و زمان از مهمترین نقاط تمایز این مکتب از سایر مکتب‌هاست. از دیدگاه شیعه پذیرش ولایت معصومین، علیهم‌السلام، و به طور کلی تسلیم در برابر امام و حجت عصر، سرآمد همه فضیلت‌ها و شرط اساسی قبولی همه اعمال عبادی است. با توجه به این نکات درمی‌یابیم که «انتظار» در زمان غیبت و عدم حضور ظاهری امام در جامعه به نوعی اعلام پذیرش ولایت و امامت آخرین امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظار موجب می‌شود که ارتباط شیعیان با امامشان، اگر چه به صورت ارتباط قلبی و معنوی، حفظ شود و آنها در همه اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.

بنابراین اگر «انتظار» را از مکتب شیعه بگیریم تفاوت چندانی میان این مکتب و دیگر مکاتب باقی نخواهد ماند؛ البته انتظار به همان مفهوم درست آن؛ یعنی امید به ظهور و

قیام عدالت گستر دوازدهمین امام معصوم از خاندان پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله؛ همو که در حال حاضر حجت خدا، واسطه فیض الهی، زنده و شاهد و ناظر اعمال شیعیان خود و فریادرس آنها در گرفتاری‌ها و ناملایمات است.

۲. انتظار، معیار ارزش انسان‌ها: آرزوها و آمال انسان‌ها

معیار خوبی برای سنجش میزان رشد، کمال و تعالی آنهاست؛ تا آنجا که برخی می‌گویند: «بگو چه آرزویی داری تا بگویم کیستی». آرزوهای بلند، متعالی و ارزشمند حکایت از کمال روح و رشد شخصیت انسان‌ها و بلندای همت آنها می‌کند. به عکس آرزوهای خرد، حقیر و بی‌ارزش نشان از بی‌همتی و رشد نیافتگی افراد دارد.

آرزوها انسان را به حرکت وامی‌دارد و به طور طبیعی هر چه همت، بلندتر و آرزو، ارزشمندتر باشد حرکت و تلاش انسان نیز از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود.

امام علی، علیه السلام، در همین زمینه می‌فرماید:

قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ^۱

ارزش مرد به اندازه همت اوست.

پس از این مقدمه می‌توان گفت که چون انسان منتظر برترین و ارزشمندترین آمال و آرزوهای ممکن را داراست، به طور طبیعی از بهترین و والاترین ارزش‌ها نیز برخوردار است. توضیح اینکه آرزوی نهایی انسان منتظر، حاکمیت نهایی دین خدا و مذهب اهل بیت، علیهم السلام، بر سراسر

۱. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، کلمات قصار ۴۷، ص ۳۶۹.

جهان، استقرار حکومت صالحان و مستضعفان در سراسر گیتی، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران از گوشه گوشه جهان، برقراری نظام قسط و عدالت بر پهنه زمین و گسترش امنیت و رفاه در جای جای کره خاک است؛ یعنی آرزویی که از ابتدای تاریخ تاکنون و در زمان هیچ پیامبری محقق نشده است. قطعاً چنین آرزوی بلندی از ارزش و فضیلتی وصف‌ناپذیر برخوردار است. البته به شرط آنکه «منتظر» به تناسب آرزوی بلند خود از تلاش و کوشش برای تحقق هر چه زودتر این آرزو کوتاهی نکند.

۳. انتظار عامل پویایی و سازندگی فرد و اجتماع: چنانکه از مطالب بعدی و در بحث از وظایف منتظران روشن خواهد شد، انتظار نقش مهمی در سازندگی، پویایی و اصلاح فرد و جامعه در زمان غیبت دارد، و اگر انسان منتظر به وظایفی که برای او برشمرده شده عمل کند به الگوی مطلوب انسان دیندار دست می‌یابد و از جایگاه و مرتبه‌الایی برخوردار می‌شود. به عبارت دیگر انسان منتظر با رعایت همه شرایط انتظار به همان شأن و منزلتی که مورد انتظار دین اسلام است، رسیده و به بالاترین نقطه کمال نائل می‌شود.

با توجه به نکات بالا به رمز فضائل بی‌شماری که برای منتظران برشمرده شد واقف می‌شویم و بدرستی درمی‌یابیم که چرا انسان منتظر از نظر اسلام از چنین مقام و مرتبه بلندی برخوردار است.

۳. وظایف منتظران

در مورد وظایف و تکالیف شیعیان در دوران غیبت سخن‌های بسیاری گفته شده است و حتی در بعضی از کتاب‌ها، از جمله کتاب مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم تا هشتاد وظیفه برای منتظران قدوم خاتم اوصیاء حضرت بقیة اللّٰه، ارواحنا له الفداء، بر شمرده شده است.^۱

اما، از آنجا که تبیین همه وظایفی که شیعیان در عصر غیبت بر عهده دارند در این محدوده نمی‌گنجد، به تعدادی از مهمترین این وظایف اشاره می‌کنیم:

۱- ۳. شناخت حجت خدا و امام عصر، علیه السلام

اولین و مهمترین وظیفه‌ای که هر شیعه منتظر بر عهده دارد کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام و حجت

۱. ر.ک: الموسوی الاصفهانی، میرزاحمدتقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۲، ص ۱۰۴ به بعد.

زمان خویش است. این موضوع تا بدان درجه از اهمیت قرار دارد که در روایات بسیاری که به طریق شیعه و اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، و ائمه معصومین، عَلَيْهِمُ السَّلَام، نقل شده، آمده است:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.^۱

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.

و در روایت دیگری که مرحوم کلینی از امام محمد باقر، عَلَيْهِ السَّلَام، نقل می کند آمده است:

مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي قُسْطَاطِهِ.^۲

هر کس در حالی که امامی نداشته باشد بمیرد، مردنش مردن جاهلیت است و هر آنکه در حال شناختن امامش بمیرد پیش افتادن و یا تأخیر این امر [دولت آل محمد، عَلَيْهِمُ السَّلَام] او را زیان نرساند و هر کس بمیرد در حالی که امامش را شناخته همچون کسی است که در خیمه قائم [عَلَيْهِ السَّلَام] با آن حضرت باشد.

۱. المجلسی، المولى محمد باقر، همان، ج ۸، ص ۳۶۸ و ج ۲۲، ص ۳۲۱ و ۳۳۳؛ همچنین ر.ک: القندوزی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۷۲.

۲. الكلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵.

توجه به مفاد دعا‌هایی که خواندن آنها در عصر غیبت مورد تأکید قرار گرفته است، نیز ما را به اهمیت موضوع شناخت حجت خدا رهنمون می‌سازد؛ چنانکه در یکی از دعا‌های معروف و معتبری که شیخ صدوق آن را در کتاب کمال‌الدین نقل کرده، می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ
أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَبِيَّكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ
لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي
حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا
تُرِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي...^۱

بارالها! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من
نشناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت. بارالها! پیغمبرت
را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی
حجت تو را نخواهم شناخت. بارالها! حجت خود را به من
بشناسان که اگر حجت را به من نشناسانی از دینم گمراه
می‌گردم. خداوندا! مرا به مرگ جاهلیت نمیران و دلم را [از
حق] پس از آنکه هدایت‌م فرمودی منحرف مگردان...

امام صادق، علیه‌السلام، در مورد کمترین حد معرفت
امام می‌فرماید:

أَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عَدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةَ النَّبُوَّةِ وَ
وَارِثُهُ وَأَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ

۱. الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، همان، ج ۲، ص ۵۱۲.

لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَالرَّوَدُّ إِلَيْهِ وَالْأَخْذُ بِقَوْلِهِ.

کمترین حد معرفت به امام آن است که [بدانی] امام مساوی با پیامبر، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، است مگر در درجه نبوت. امام، وارث پیامبر است و همانا اطاعت از او اطاعت از خدا و رسول خداست و باید در هر امری تسلیم او بود و به سخن و فرمان او عمل کرد...^۱

مؤلف کتاب ارزشمند مکیال المکارم مراد و مقصود از «معرفت امام» را، که در روایت‌های یادشده بر آنها تأکید شده است، چنین توضیح می‌دهند:

بدون تردید مقصود از شناختی که امامان ما - که درودها و سلام‌های خداوند برایشان باد - تحصیل آن را نسبت به امام زمانمان امر فرموده‌اند، این است که ما آن حضرت را آنچنانکه هست بشناسیم؛ به گونه‌ای که این شناخت سبب در امان ماندن ما از شبهه‌های ملحدان و مایه نجاتمان از اعمال گمراه کننده مدعیان دروغین باشد، و این چنین شناختی جز به دو امر حاصل نمی‌گردد: اول، شناختن شخص امام، علیه السلام، به نام و نسب، و دوم، شناخت صفات و ویژگی‌های او و به دست آوردن این دو شناخت از اهم واجبات است.^۲

البته امر دومی که در کلام یادشده بدان اشاره شده، در

۱. البحرانی، السیدهاشم الحسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۴، ح ۳.

۲. الموسوی الاصفهانی، میرزا محمد تقی، همان، ج ۲، ص ۱۰۷.

عصر ما از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و در واقع این نوع شناخت است که می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی منتظران منشأ اثر و تحول باشد؛ زیرا اگر کسی بحقیقت به صفات و ویژگی‌های امام عصر، علیه‌السلام، و نقش و جایگاه آن حضرت در عالم هستی و فقر و نیاز خود نسبت به او واقف شود، هرگز از یاد و نام آن حضرت غافل نمی‌شود. نکته‌ای که در اینجا باید در نظر داشت این است که شناخت امام زمان، علیه‌السلام، از شناخت دیگر امامان معصوم، علیهم‌السلام، جدا نیست و اگر کسی به طور کلی به شأن و جایگاه ائمه هدی واقف شد، صفات و ویژگی‌های آنها را شناخت و به مسؤولیت خود در برابر آنها پی برد، قطعاً نسبت به امام عصر، علیه‌السلام، نیز به شناختی شایسته می‌رسد.

بهترین راه برای پی بردن به مراتب و مقامات بلند امامان معصوم شیعه به طور کلی و امام عصر، علیه‌السلام، به طور خاص، مطالعه و تأمل در کتاب‌هایی است که در این زمینه نگاشته شده است که از جمله می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: الکافی، محمد بن یعقوب کلینی (ج ۱)، کتاب الحجّة، کتاب الغیبة، محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبة، ابوجعفر محمد بن الحسن معروف به شیخ طوسی، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، محمد بن علی بن الحسین معروف به شیخ صدوق، بحارالانوار، مولی محمد باقر مجلسی (ج ۵۱)،

۵۲ و ۵۳). بحمدالله همه این کتاب‌ها به فارسی ترجمه شده و در دسترس همگان است.

خواندن زیارت «جامعه کبیره» و تأمل و تدبّر در اوصافی که در این زیارت برای ائمه معصومین، علیهم‌السلام، نقل شده نیز در حصول معرفت نسبت به مقام و جایگاه امام در عالم هستی بسیار مؤثر است.

البته باید توجه داشت که شناخت و معرفت حقیقی نسبت به حجت خدا تنها با مطالعه کتاب حاصل نمی‌شود و در این راه باید از عنایات حضرت حق نیز مدد جوئیم و - همچنانکه در دعایی که پیش از این بدان اشاره کردیم، ملاحظه شد - از درگاه الهی نیز توفیق شناخت حجتش را درخواست کنیم، تا بدین وسیله از گمراهی و سرگردانی نجات یابیم. این موضوع را از روایتی که مرحوم کلینی از «محمد بن حکیم» نقل کرده، می‌توان استفاده کرد. در این روایت آمده است:

قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ، الْمَعْرِفَةُ مِنْ صُنْعِ مَنْ هِيَ؟ قَالَ: مِنْ صُنْعِ اللَّهِ، لَيْسَ لِلْعِبَادِ فِيهَا صُنْعٌ.^۱

از اَبی‌عبدالله (امام جعفر صادق)، علیه‌السلام، پرسیدم: معرفت ساخته کیست؟ فرمود: از ساخته‌های خداوند است و برای بسندگان نقشی در حصول معرفت نیست.

۱. الکلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۱.

شاید بتوان گفت که شناخت نشانه‌ها و علائم ظهور نیز یکی از فروع شناخت امام عصر، علیه‌السلام، است؛ زیرا شناخت دقیق نشانه‌ها و علائم ظهور موجب می‌گردد که انسان فریب مدعیان دروغین مهدویت را نخورد و در دام شیادانی که ادعای «مهدی» بودن دارند نیفتد.

توضیح اینکه برای ظهور منجی آخرالزمان نشانه‌ها و علائم حتمی و تردیدناپذیری برشمرده شده که با مشاهده آنها می‌توان به حقانیت آن منجی و اینکه او واقعاً همان امام منتظر؛ یعنی امام مهدی، علیه‌السلام، است پی برد. بنابراین بر همه منتظران لازم است که پس از شناخت کامل امام عصر، علیه‌السلام، به مطالعه و شناسایی علائم و نشانه‌های ظهور نیز پردازند.

برای آشنایی با نشانه‌های ظهور نیز علاوه بر کتاب‌هایی که در بالا بدانها اشاره شد می‌توان به کتاب‌های زیر مراجعه کرد: نوائب‌الدهور فی علائم‌الظهور، سید حسن میرجهانی، عصر ظهور، علی کورانی، روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی‌پور و نشانه‌های ظهور او، محمد خادمی شیرازی.

۲-۳. پیراستگی از بدی‌ها و آراستگی به خوبی‌ها

وظیفه مهم دیگری که هر شیعه منتظر بر عهده دارد پیراستن خود از خصایص ناپسند و آراستن خود به اخلاق نیکو است، چنانکه در روایتی که از امام صادق،

علیه السلام، نقل شده، آمده است:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ، فَلْيَسْتَنْظِرْ،
وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَخَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ
وَ قَامَ الْقَائِمُ، عَلَيْهِ السَّلَامُ، بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ
مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا، هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِضَابَةُ
الْمَرْحُومَةُ.^۱

هر کس دوست می دارد از یاران حضرت قائم،
علیه السلام، باشد باید که منتظر باشد و در این حال به
پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر
است، پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم،
علیه السلام، به پاخیزد، پاداش او همچون پاداش کسی
خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش
کنید و در انتظار بمانید، گوارا باد بر شما [این اجر] ای گروه
مشمول رحمت خداوند!

امام عصر، علیه السلام، نیز با توجه به ناگهانی بودن امر
ظهور همه شیعیان را در زمان غیبت به انجام اعمال
پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فراخوانده، می فرماید:

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَتَقَرَّبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ
يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتُهُ فُجَاءَةً
حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْبَةٍ.^۲

۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

۲. المجلسی، المولی محمد باقر، همان، ج ۵۲، ص ۱۷۶.

پس هر یک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می‌شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد، دوری گزیند؛ زیرا فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرامی‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد.

موضوع تهذیب نفس و دوری گزیدن از گناهان و اعمال ناشایست، به عنوان یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت، از چنان اهمیتی برخوردار است که در توقیع^۱ شریفی که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر به مرحوم شیخ مفید، رضی الله عنه، صادر گردیده، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان آن حضرت سر می‌زند، یکی از اسباب و یا تنها سبب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از لقای آن بدر منیر شمرده شده است:

۱. «توقیع» در لغت به معنای نشان گذاشتن، امضاء کردن حاکم بر نامه و فرمان، جواب مختصر که کاتب در نوشته به پرسش‌ها می‌دهد، دستخط فرمانروا و نوشتن عبارتی در ذیل مراسله آمده است. و در اصطلاح علم حدیث به معنای پاسخ پرسش‌ها، یا اطلاعیه‌هایی است که به صورت کتبی از طرف امام برای آگاهی شیعیان فرستاده شده است. چنانکه توقیعاتی از حضرت امام علی النقی و امام حسن عسکری، علیهما السلام، نقل شده است. اما معمولاً توقیع به نامه‌های حضرت حجة بن الحسن امام زمان، عجل الله تعالی فرجه، گفته می‌شود که توسط چهار تن نایبان خاص ایشان در زمان غیبت صغری به دست شیعیان می‌رسیده است. (ر.ک: رکنی، محمد مهدی، نشانی از امام غایب، عجل الله تعالی فرجه، بازنگری و تحلیل توقیعات).

... فَمَا يَخْبَسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نُكْرِهُهُ، وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ.^۱

... پس تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می‌دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می‌رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی‌رود.

باید توجه داشت که ما تنها زمانی می‌توانیم خود را منتظر امام عدالت‌گستر و پیرو او بدانیم که در زندگی فردی و اجتماعی خود، راه و روش مورد نظر او را اجرا کنیم. چنانکه در نامه امیرالمؤمنین علی، علیه‌السلام، خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره آمده است:

أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ. أَلَا وَ اِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلٰى ذٰلِكَ، وَ لٰكِنْ اَعْيُونِي بِوَرَعٍ وَ اَجْتِهَادٍ، وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ...^۲

آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که پی وی را پوید و از نور دانش او روشنی جوید، بدان که پیشوای شما بسنده کرده است از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان را خوردنی خویش نموده. بدانید که شما چنین نتوانید کرد. لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و کوشیدن و پاکدامنی و درستی ورزیدن.

۱. المجلسی، المولى محمد باقر، همان، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، نامه ۴۵، ص ۳۱۷.

برخی منابع که با مطالعه آنها می‌توان به الگوی مطلوب برای اخلاق و رفتار مورد نظر ائمه معصومین، علیهم‌السلام، دست یافت عبارتند از:

۱. دعای «مکارم‌الاخلاق» امام سجاد، علیه‌السلام؛ این دعای شریف که در صحیفه سجادیه (دعای بیستم) و در پایان کتاب مفاتیح‌الجنان، شیخ عباس قمی آمده، یکی از بهترین منابع برای شناخت فضایل و رذایل اخلاقی است.

۲. دعای امام زمان، علیه‌السلام؛ این دعا در مفاتیح‌الجنان نقل شده و با جمله «اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ...» آغاز می‌شود. دعای یادشده که از امام زمان، علیه‌السلام، نقل شده از جمله دعاهایی است که می‌تواند به ما تصویری روشن از شیعه منتظر ارایه دهد و ما را با انتظارات امام از شیعیانش آشنا کند.

انسان با مداومت بر خواندن این دعاها و سعی و تلاش در به کار بستن آنچه در آنها آمده است، می‌تواند به وضعیت روحی و اخلاقی مطلوب و مورد نظر ائمه معصومین، علیهم‌السلام، و بویژه امام عصر، علیه‌السلام، دست یابد و ان‌شاءالله در هر زمان که ظهور واقع شد با روی سپید در پیشگاه امام خود حاضر شود.

۳-۳. پیوند با مقام ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر، علیه‌السلام، و تجدید دایمی عهد و پیمان با آن حضرت یکی دیگر از

وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد. بدین معنا که یک منتظر واقعی حضرت حجت، علیه السلام، با وجود غیبت ظاهری آن حجت الهی هرگز نباید احساس کند که در جامعه رها و بی مسؤولیت رها شده و هیچ تکلیفی نسبت به امام و مقتدای خود ندارد. این موضوع در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است که در این مجال به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

در روایتی که از امام محمد باقر، علیه السلام، نقل شده آن حضرت در تفسیر این کلام خدای تعالی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا
اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبا باشید و دیگران را به شکیبایی فراخوانید و مراقب و مواظب باشید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.

می‌فرمایند:

إِصْبِرُوا عَلَىٰ آدَاءِ الْفَرَايِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوِّكُمْ وَ
رَابِطُوا إِمَامَكُمْ [الْمُنْتَظَر].^۲

بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنانتان پایداری کنید، و پیوند خود را با امام منتظرتان مستحکم نمایید.

۱. سوره‌ال عمران (۳)، آیه ۲۰۰.

۲. النعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۱۹۹، همچنین ر.ک: البحرانی،

السیدهاشم الحسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۴.

همچنین امام صادق، علیه‌السلام، در روایت دیگری که در تفسیر آیه مزبور وارد شده می‌فرمایند:

إِصْبِرُوا عَلَى الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَلَى الْمَضَائِبِ وَ
رَابِطُوا عَلَى الْأَيْمَةِ.^۱

بر واجبات صبر کنید و یکدیگر را بر مصایب به صبر
و ادارید و خود را بر پیوند با امامان [و یاری آنها]
ملتزم سازید.

روایات دیگری نیز به همین مضمون از امام جعفر
صادق و امام موسی کاظم، علیهما‌السلام، وارد شده است
که به جهت رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.^۲
این‌که می‌بینیم در روایت‌های متعددی، امامان ما
شیعیان خود را به تجدید عهد و بیعت با امام زمان خود
سفارش کرده و از آنها خواسته‌اند که در آغاز هر روز و حتی
بعد از هر نماز واجب، دعای عهد بخوانند، همه نشان از
اهمیت پیوند دائمی شیعیان با مقام عظمای ولایت و
حجت خدا دارد.

یکی از مشهورترین دعا‌های عهد، دعایی است که
مرحوم سید بن طاووس آن را در کتاب ارزشمند مصباح‌الزائر
به نقل از امام صادق، علیه‌السلام، روایت کرده و در ابتدای
آن آمده است که:

۱. البحرانی، السید هاشم الحسینی، همان، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۲.

۲. ر.ک: همان.

مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ
مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى
مِنْ قَبْرِهِ، وَ أَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَ مَخَا عَنَّهُ
أَلْفَ سَيِّئَةٍ.^۱

هر کس چهل بامداد خدا را با این عهد بخواند، از
یاوران قائم ما خواهد بود، پس اگر پیش از [ظهور] قائم از
دنیا برود، خداوند تعالی او را از قبرش خارج می‌سازد [تا
قائم را یاری دهد]. و خداوند به شماره هر کلمه [از آن]
هزار حسنه به او عطا کند و هزار بدی را از او برطرف می‌سازد.

به دلیل اهمیت و اعتبار مضمون این دعای شریف در
اینجا بخشی از آن را نقل می‌کنیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ
مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي لِأَحْوَالِ
عَنْهَا وَ لَا أَرْوُلُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ
الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُنَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ
الْمُتَّبِعِينَ لِأَوْامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ
إِلَى إِزَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.^۲

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران
زندگانیم، عهد و عقد و بیعتی را که از آن حضرت برگردن
دارم با او تجدید می‌کنم، که هرگز از آن عهد و بیعت

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، مصباح الزائر، ص ۴۵۵؛ المجلسی، مولى

محمدباقر، همان، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

۲. همان.

برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا! مرا از انصار و یاران آن حضرت و از مدافعان [حریم مقدس] او، و شتابندگان در پی انجام مقاصد او و اطاعت‌کنندگان از دستورات و نواهی او و حمایت‌کنندگان از [وجود شریف] او و سبقت‌جویان به سوی خواسته او و شهید شدگان در حضور او قرار ده.

دقت در عبارت‌های بالا می‌تواند تصویری روشن از مفهوم عهد و پیمان با امام و حجت‌زمان به ما ارائه دهد؛ عهد و پیمانی ناگسستنی برای یاری و نصرت امام زمان خود و اطاعت مخلصانه و تا پای جان از او امر و نواهی او. آیا اگر هر شیعه منتظر در آغاز هر روز، با حضور و توجه، چنین عهد و پیمانی را با امام و مقتدای خود تجدید نماید، هرگز به رکود، ذلت و خواری و ظلم و بی‌عدالتی تن خواهد داد؟ آیا هرگز حاضر خواهد شد که به رضای مولا و سرور خود بی‌اعتنایی کند و تن به گناه و معصیت دهد؟ مسلماً خیر. بدون هیچ تردیدی اگر در جامعه‌ای چنین فرهنگی حاکم شود و همه تنها در پی رضای امام زمان خود باشند، آن جامعه هرگز دچار بحران فرهنگی، از خودبیگانگی، یأس و نومیدی و انحطاط نخواهد شد. این نکته نیز مسلم است که اگر همه شیعیان با همدلی و همراهی دست بیعت و یاری به سوی مولا و سرور خود دراز کنند و بر نصرت او متفق شوند دیری نخواهد پایید که فرج مولایشان را درک

خواهند کرد و برای همیشه از ظلم‌ها و ذلت‌ها رهایی خواهند یافت. چنانکه در توفیق شریفی که پیش از این نیز به بخشی از آن اشاره شد آمده است:

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا، وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ، عَلَيَّ اجْتِنَاعَ مِنَ
الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ السُّيْمُنُ
بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَيَّ حَقُّ
الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.^۱

اگر شیعیان ما، که خداوند آنان را در اطاعتش یاری دهد، در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده یکدل و مصمم باشند، نعمت لقای ما از آنان به تأخیر نمی‌افتد و سعادت دیدار ما برای آنها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما تعجیل می‌گردد.

شیعیان منتظر علاوه بر دعای عهد می‌توانند با بهره‌گیری از دعاها و زیارت‌های دیگری که مرتبط با امام عصر، علیه‌السلام، است، پیوند و ارتباط دائمی خود را با آن امام برقرار سازند که از آن جمله می‌توان به دعای ندبه، دعای فرج، دعای زمان غیبت، استغاثه به امام زمان، علیه‌السلام، زیارت آل‌یاسین، زیارت امام عصر در روز جمعه، نماز امام زمان و... اشاره کرد. دعا به امام زمان، علیه‌السلام، در قنوت و تعقیب نمازهای پنجگانه نیز می‌تواند در ایجاد ارتباط و انس بیشتر با آن حضرت مؤثر

باشد. چشم‌انتظاران امام عصر، علیه‌السلام، همچنین می‌توانند با حضور در مساجد و مکان‌های مقدسی که منسوب به امام عصر، علیه‌السلام، است همچون مسجد جمکران در قم، مسجد سهله در نجف، سرداب مقدس سامرا و... پیوند خویش را با آن حضرت روز به روز مستحکم‌تر نمایند.

۴-۳. کسب آمادگی برای ظهور حجت حق

یکی دیگر از وظایفی، که به تصریح روایات، در دوران غیبت بر عهده شیعیان و منتظران فرج قائم آل محمد، صلی‌الله‌علیه‌وآله، است کسب آمادگی‌های نظامی و مهیا کردن تسلیحات مناسب هر عصر برای یاری و نصرت امام غائب است. چنانکه در روایتی که نعمانی از امام صادق، علیه‌السلام، نقل کرده، آمده است:

لَيَعْدَنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ لَوْ سَهْمًا
فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجَوْتُ لِأَن يَتَّسَى فِي
عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ [فَيَكُونَنَّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ].^۱

هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم، علیه‌السلام، [سلاحی] مهیا کند. هر چند یک تیر باشد؛ خدای تعالی هر گاه بداند کسی چنین نیتی دارد امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند [و از یاران و همراهانش قرار گیرد].

۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

در روایت دیگری مرحوم کلینی از امام ابوالحسن
[موسی کاظم، علیه السلام] نقل می‌کند که:

... مَنِ ارْتَبَطَ دَائِبَةً مُتَوَقِّعًا بِهِ أَمْرًا وَ يَغِيظُ بِهِ عَدُوَّنَا وَ
هُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدَّرَ اللَّهُ رِزْقَهُ، وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَّغَهُ أَمَلَهُ
وَ كَانَ عَوْنًا عَلَيَّ حَوَائِجِهِ.^۱

... هر کس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب
آن دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که او منسوب
به ماست، خداوند روزیش را فراخ گرداند، به او شرح صدر
عطا کند، او را به آرزویش برساند و در رسیدن به
خواسته‌هایش یاری کند.

همچنین مرحوم کلینی در الکافی از «ابو عبد الله جعفری»
روایتی را نقل می‌کند که توجه به مفاد آن بسیار مفید است:

قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: كَمْ
الرِّبَاطُ عِنْدَكُمْ؟ قُلْتُ: أَرْبَعُونَ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَكِنَّ
رِبَاطَنَا الدَّهْرُ.^۲

حضرت ابوجعفر محمد بن علی (امام باقر)
علیهما السلام، به من فرمودند: منتهای زمان مربوطه

۱. الکلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۶، ص ۵۳۵، ح ۱.

۲. همان، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۶.

(مرزداری)^۱ نزد شما چند روز است؟ عرضه داشتیم: چهل روز

فرمودند: ولی مرابطه ما مرابطه‌ای است که همیشه هست....

علامه مجلسی در شرح این فرمایش امام، علیه‌السلام، می‌فرماید:

أَيُّ يَجِبُ عَلَى الشَّيْعَةِ أَنْ يَرْبِطُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى طَاعَةِ

إِمَامِ الْحَقِّ، وَانْتِظَارِ فَرَجِهِ وَتَهَيُّؤِهَا لِتَنْصُرَتِهِ.^۲

۱. «مرباطه» چنانکه فقها در کتاب جهاد گفته‌اند، این است که شخص مؤمن برای جلوگیری از هجوم و نفوذ مشرکان و کافران در مرزهای کشور اسلامی و یا هر موضعی که از آن احتمال بروز حمله‌ای علیه مسلمانان می‌رود، به حال آماده باش و در کمین به سر برد. (ر.ک: النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۳۹). این عمل در زمان غیبت امام معصوم، علیه‌السلام، مستحب بوده و فضیلت‌های بسیاری برای آن بر شمرده شده است، چنانکه در روایتی که به طریق اهل سنت از رسول گرامی اسلام، صلی‌الله‌علیه‌وآله، نقل شده آمده است:

رِبَاطٌ يَوْمَ وَلَيْلَةٍ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ قِيَامِهِ، وَإِنْ مَاتَ مُرَابِطًا جَرَى عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَ أُجْرِي عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَ آمِنَ مِنَ الْفِتَنِ.

یک شبانه روز مرابطه (مرزداری) در راه خدا از اینکه شخص یک ماه روزها روزه باشد و شب‌ها به عبادت قیام نماید ثوابش بیشتر است. پس هر گاه در این راه بمیرد عملی که انجام می‌داده بر او جریان خواهد یافت، و روزیش بر او جاری خواهد شد و از فرشته‌ای که در قبر مرده‌ها را امتحان می‌کند ایمن خواهد ماند. (البرهان، علاء‌الدین علی‌المستقی، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج ۴، ص ۲۸۴، ح ۱۰۵۰۹)

اما در مورد اینکه حداقل و حداکثر زمان مرابطه چه اندازه است باید گفت که: حداقل زمان مرابطه سه روز و حداکثر آن چهل روز است؛ زیرا اگر از این مقدار بیشتر شود دیگر بر آن صدق مرابطه نکرده و جهاد شمرده می‌شود و شخص هم از ثواب جهادکنندگان برخوردار می‌شود. (ر.ک: النجفی، محمد حسن، همان، ج ۲۱، ص ۴۱-۴۲)

۲. المجلسی، المولى محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۶، ص ۵۸۲.

بر شیعیان واجب است که خود را بر اطاعت امام بر حق و انتظار فرج او ملتزم سازند و برای یاری نمودنش مهیا باشند.

شیخ محمد حسن نجفی نیز در کتاب جواهرالکلام در شرح روایت مزبور می‌فرماید:

وَ هُوَ مَخْمُولٌ عَلَى إِزَادَةِ تَرَقُّبِ الْفَرَجِ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ
كَمَا جَاءَتْ بِهِ النُّصُوصُ لَا الرِّبَاطُ الْمُصْطَلَحُ.^۱

مربطه در این روایت به معنای اراده انتظار فرج در تمام ساعات شبانه‌روز است، همچنانکه در بعضی از روایات نیز به این معنا اشاره شده است، نه مربوطه مصطلح در فقه.

شاید بتوان گفت که کلام صاحب جواهر نیز در نهایت به همان کلام علامه مجلسی بر می‌گردد که فرمود: مربوطه در روایت مزبور به معنای آمادگی و مهیا بودن برای یاری امام منتظر است. رمز اینکه شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد این است که زمان ظهور برای ما مشخص نیست و هر آن که اراده خداوند تعلق گیرد ممکن است ظهور واقع شود. بنابراین شیعیان باید همواره در حال آماده‌باش به سر برند تا در موقع لزوم به فرمان امام خود برای مقابله با مستکبران و ظالمان جهان به پا خیزند.

با نگاهی به تاریخ شیعه می‌توانیم به عمق باور مردم به موضوع ظهور و آمادگی همیشگی آنها برای این موضوع

۱. النجفی، الشیخ محمد حسن، همان، ج ۲۱، ص ۴۳.

پی بریم. «ابن بطوطه» در سفرنامه خود می نویسد:
ندبه شیعیان جلّه برای امام زمان ... در نزدیکی بازار
بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن، پرده حریری
آویزان است و آنجا را «مسجد صاحب الزمان» می خوانند.
شبها پیش از نماز عصر، صد مرد مسلح با شمشیرهای
آخته ... اسبی یا استری زین کرده می گیرند و به سوی
مسجد صاحب الزمان روانه می شوند. پیشاپیش این چارپا،
طبل و شیپور و بوق زده می شود. سایر مردم در طرفین این
دسته حرکت می کنند و چون به مسجد صاحب الزمان
می رسند، در برابر در ایستاده و آواز می دهند که:

«بسم الله، ای صاحب الزمان، بسم الله بیرون آی که تباهی
روی زمین را فراگرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است
که برآیی، تا خدا به وسیله تو حق را از باطل جداگرداند...»
و به همین ترتیب به نواختن بوق و شیپور و طبل ادامه
می دهند تا نماز مغرب فرارسد...^۱

باید توجه داشت که نحوه آمادگی و مهیا بودن برای
ظهور بستگی به شرایط زمان و مکان دارد و اگر در بعضی از
روایات سخن از آماده کردن اسب و شمشیر برای ظهور
ولی امر، علیه السلام، به میان آمده، و برای آن فضیلت
بسیار برشمرده شده است، به این معنا نیست که اینها
موضوعیت دارند، بلکه با قدری تأمل روشن می شود که
ذکر این موارد تنها به عنوان تمثیل و بیان لزوم آمادگی رزمی

۱. ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۲۷۲ به نقل از حکیمی، محمد، در فجر
ساحل، ص ۵۵.

برای یاری آخرین حجت حق است و مسلماً در این عصر بر شیعیان لازم است که با فراگرفتن فنون رزمی و مسلح شدن به تجهیزات نظامی روز، خود را برای مقابله با دشمنان قائم آل محمد، علیهم السّلام، آماده سازند. البته در حال حاضر به دلیل حاکمیت دولت شیعی و حکومت فقیه جامع الشرایط بر سرزمین اسلامی ایران این وظیفه در درجه اول بر عهده حکومت اسلامی است که در هر زمان قوای مسلح کشور را در بالاترین حد آمادگی نظامی قرار دهند تا به فضل خدا در هر لحظه که اراده الهی بر ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، قرار گرفت بتوانند به بهترین نحو در خدمت آن حضرت باشند.

امام راحل، قدس سرّه، با وسعت دیدی که داشتند «کسب آمادگی برای ظهور» را بسیار فراتر از آنچه گفته شد مطرح می کردند و معتقد بودند که ما باید از هم اکنون برای گسترش قدرت اسلام در جهان تلاش کنیم تا زمینه ظهور چنانکه باید فراهم شود. ایشان در این زمینه می فرمودند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود.^۱

۱. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، ج ۷، ص ۲۵۵.

۵-۳. ارتباط با فقها و مراجع تقلید

ما از یک سو می‌دانیم که در دوران غیبت هیچیک از احکام اسلام تعطیل نشده و باید تا آمدن امام عصر، علیه‌السلام، به همه آنچه اسلام از ما خواسته است عمل کنیم. و از سوی دیگر می‌دانیم که امکان دسترسی به امام معصوم، علیه‌السلام، و فراگرفتن مستقیم احکام دین از ایشان، برای ما وجود ندارد. حال در این شرایط چه باید کرد؟ آیا دست روی دست بگذاریم و به هیچیک از احکام اسلام عمل نکنیم یا به هر آنچه خود احتمال می‌دهیم درست باشد عمل کنیم؟ قطعاً هیچیک از این دو راه ما را به مقصود نمی‌رساند. اما آیا امامان معصوم، علیهم‌السلام، فکری برای شیعیان خود در زمان غیبت نکرده‌اند؟ در پاسخ این پرسش باید گفت که: ائمه، علیهم‌السلام، تکلیف ما را در زمان غیبت و عدم دسترسی به امام معصوم مشخص کرده و به ما امر فرموده‌اند که به فقهای جامع‌الشرایط مراجعه کنیم. چنانکه در روایتی که امام حسن عسکری، علیه‌السلام، از امام صادق، علیه‌السلام، نقل می‌کند چنین می‌خوانیم:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِنًا لِنَفْسِهِ، خَافِظًا لِدِينِهِ،
مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ

ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا كُلَّهُمْ.^۱

... اما هر یک از فقها که نفس خود را بازدارنده، دین خود را نگهدارنده، هوای خود را پس‌زننده و اوامر مولای خود را اطاعت‌کننده بود، بر عوام (مردم) لازم است که از او پیروی کنند و تنها بعضی از فقهای شیعه هستند که از این صفات برخوردارند نه همه آنها.

امام عصر، علیه‌السلام، نیز در یکی از توقیعات خود در پاسخ «اسحاق بن یعقوب» می‌فرماید:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.^۲

... و اما در رویدادهایی [که در آینده] پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنها حجت بر شما هستند و من حجت خدا برایشان.

چنانکه می‌دانید در طول ۶۹ سال غیبت صغری؛ یعنی از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ ق. چهار تن از بزرگان شیعه به عنوان «نواب خاص» واسطه بین امام مهدی، علیه‌السلام، و مردم بودند. آنها پرسش‌های علما و بزرگان شیعه و حتی برخی از مردم معمولی را با آن حضرت مطرح می‌کردند و ایشان نیز پاسخ آنها را می‌دادند. اما با پایان دوران غیبت صغری و

۱. الحرّ العاملي، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۸، ص ۹۵، ح ۲۰.

۲. الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، همان، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

آغاز دوران غیبت کبری دیگر کسی به عنوان نایب خاص معرفی نشد و مردم موظف شدند برای یافتن پاسخ پرسش‌های دینی خود به راویان احادیث اهل بیت، علیهم‌السلام، که همان فقهای جامع‌الشرایط بودند مراجعه کنند. از آن زمان به بعد فقها به عنوان نواب عام امام عصر، علیه‌السلام، مطرح شدند و رسالت هدایت شیعه را در عصر غیبت بر عهده گرفتند.

بنابراین بر همه منتظران امام عصر، علیه‌السلام، لازم است که بنا به فرموده امامان خود با پیروی از فقها و مجتهدان واجد شرایط، اعمال دینی خود را انجام دهند. در زمینه امور اجتماعی و سیاسی نیز وظیفه مردم اطاعت از فقیهی است که از سوی بزرگان شیعه به عنوان «ولی فقیه» انتخاب شده است.

۶-۳. دعا برای تعجیل فرج

یکی از وظایف مهمی که بنا به تصریح حضرت صاحب‌الامر، علیه‌السلام، بر عهده همه منتظران گذاشته شده، دعا برای تعجیل فرج است.

امام عصر، علیه‌السلام، در توقیعی که خطاب به «اسحاق بن یعقوب» صادر شده، می‌فرمایند:

وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.^۱

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما همان است.

امام حسن عسکری، علیه السلام، نیز دعا برای تعجیل فرج را شرط رهایی از فتنه‌های دوران غیبت دانسته، می‌فرماید:

وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ
اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَقَفَّهُ [فِيهَا] لِلدُّعَاءِ
بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.^۲

به خدا سوگند [او] غیبتی خواهد داشت که در آن تنها کسانی از هلاکت نجات می‌یابند که خداوند آنها را بر قول به امامتش ثابت‌قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرجش موفق کرده است.

دعا برای تعجیل فرج از چنان اهمیتی برخوردار است که امام صادق، علیه السلام، می‌فرماید:

مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ: «اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» لَمْ يَمُتْ حَتَّى
يُذْرِكَ الْقَائِمَ.^۳

هر کس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست و در فرج ایشان تعجیل

۱. همان؛ الطوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیبة، ص ۱۷۶.

۲. الصدوق، محمد بن علی بن الحسین، همان، ص ۳۸۴.

۳. الطوسی، محمد بن الحسن، مصباح‌المتهجد، ص ۳۲۸.

کن» نمیرد تا قائم [علیه السلام] را دریابد.

در روایت دیگری نیز آمده است که هر کس چنین کند خداوند شصت حاجت او را برآورده می‌سازد؛ سی حاجت از حوائج دنیا و سی حاجت از حوائج آخرت.^۱ بنابراین همه شیعیان باید در طول شبانه‌روز، در اوقات نماز و در همه ایامی که در آنها دعا سفارش شده، دعا برای تعجیل فرج را به عنوان یک تکلیف و وظیفه مهم عصر غیبت فراموش نکنند. بلکه این دعا را بر همه دعا‌های خود مقدم کنند تا خداوند به برکت این دعا آنها را آنها را از همه فتنه‌ها و آشوب‌های زمان غیبت در امان نگهدارد و همه گرفتاری‌ها و غم و غصه‌های آنها را برطرف سازد.

۷-۳. بزرگداشت یادونام حضرت مهدی، علیه السلام

مؤمنان باید نام همه معصومین، علیهم السلام، را بزرگ بدارند و جز با تعظیم و احترام از آنها یاد نکنند. اما در این میان امام مهدی، علیه السلام، جایگاه و شأن ویژه‌ای دارند؛ زیرا:

۱. ایشان امام عصر و زمان ما و حجت حی و حاضر و ناظر خداوند هستند؛

۲. آن حضرت وارث همه فضایل و شایستگی‌هایی هستند که در خاندان رسالت وجود داشته است؛

۱. الکفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، ص ۴۲۱.

۳. آن امام احیاکننده مکتب اهل بیت، علیهم السلام، بلکه احیاکننده دین و دین باوری در سراسر جهان هستند؛
 ۴. ایشان، در بین امامان پیش از خود نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. تا آنجا که امام صادق، علیه السلام، در پاسخ کسی که از ایشان می‌پرسد: «آیا قائم، علیه السلام، متولد شده است» می‌فرماید:

لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَّمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.^۱

خیر، اما اگر او را دریابم در همه ایام زندگانی‌ام خدمتگزارش خواهم بود.

اما بزرگداشت یاد و نام امام مهدی، علیه السلام، مصداق مختلفی دارد که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) برپاخاستن به هنگام شنیدن نام‌های آن حضرت

بر همه ارادتمندان حضرت مهدی، علیه السلام، لازم است که به هنگام شنیدن نام‌ها و القاب آن حضرت، بویژه نام مبارک «قائم» از جا برخیزند و نسبت به امام خود ادای احترام کنند.
 روایت شده است که روزی در مجلس حضرت صادق، علیه السلام، نام مبارک حضرت صاحب الامر، علیه السلام، برده شد، امام ششم به منظور تعظیم و احترام نام آن حضرت از جای خود برخاسته قیام فرمود.^۲

۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۲۴۵، ح ۴۶.

۲. نوری، حسین، نجم الثاقب، ص ۵۲۳.

همچنین نقل شده است: زمانی که «دعبل خزاعی» قصیده معروف خود در وصف اهل بیت، علیهم السلام، را در پیشگاه امام رضا، علیه السلام، می خواند، آن امام با شنیدن نام حضرت حجت، علیه السلام، از جای برمی خیزد، دست خود را به نشانه تواضع بر سر می گذارد و برای تعجیل در فرج آن حضرت دعا می کند.^۱

برخاستن به هنگام شنیدن نام امام مهدی، علیه السلام، می تواند به معنای اعلام آمادگی برای یاری و نصرت آن حضرت و همچنین اعلام درک حضور و شهود آن حضرت باشد.

ب) نکوداشت روزهای منسوب به آن حضرت

شیعیان باید در روزهایی مانند اعیاد چهارگانه اسلامی (فطر، قربان، غدیر و جمعه)، شب و روز نیمه شعبان به طور ویژه به یاد امام غایب خود باشند و با خواندن زیارت آن حضرت و خواندن دعاهایی مانند دعای ندبه، عهد، فرج و... پیمان خود را با امامشان تجدید کنند.

ج) آغاز کردن هر روز با سلام به پیشگاه آن حضرت

منتظران امام مهدی، علیه السلام، باید که در آغاز هر روز و در تعقیب نماز صبح، سلام به مولای خود را فراموش

۱. الصافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الإمام الثانی عشر (علیه السلام)، ص ۵۰۶ و ۵۰۸.

نکنند و بسته به فرصت و وقتی که دارند با یکی از زیارت‌های وارد شده و یا دعای عهد به امام خود عرض ارادت کنند تا هرگز یاد و نام آن حضرت از دل‌هایشان زایل نگردد.

با توجه به آنچه گفته شد اگر بخواهیم مفهوم انتظار در مکتب تشیع را در چند جمله بیان کنیم می‌توانیم بگوییم که انتظار در مکتب تشیع حالت انسانی است که ضمن پیراستن وجود خویش از بدی‌ها و آراستن آن به خوبی‌ها، در ارتباطی مستمر با امام و حجت زمان خویش همه همت خود را صرف زمینه‌سازی ظهور مصلح آخرالزمان نموده و در جهت تحقق وعده الهی نسبت به برپایی دولت کریمه اهل بیت، علیهم السلام، با تمام وجود تلاش می‌کند.

۴. نقش سازندهٔ انتظار

انتظار منجی موعود از سویی عاملی برای پایداری و شکیبایی در برابر سختی‌ها و مشکلات عصر غیبت و از سویی دیگر عاملی برای پویایی، تحرک و آماده‌باش همیشگی شیعیان است. براساس تعالیم ائمه معصومین، علیهم‌السلام، منتظر باید هر لحظه آمادهٔ ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان ارادهٔ خدا به ظهور تعلق‌گرفت بتواند با سربلندی در پیشگاه حجت خدا حاضر شود.

به عبارت دیگر انتظار ظهور حضرت حجت، علیه‌السلام، در آینده‌ای نامشخص هم بیم‌دهنده و هم نویدبخش است. بیم‌دهنده است؛ چراکه منتظر با خود می‌گوید: شاید همین سال، همین ماه و یا همین روز ظهور رخ دهد و لذا باید آمادهٔ حضور در پیشگاه حجت خدا و ارائهٔ اعمال خود به آن حضرت باشم. و امیدبخش است؛

چرا که منتظر با خود می‌اندیشد: شاید در آینده‌ای نزدیک ظهور واقع شود و سختی‌ها و مشکلات او به پایان برسد و لذا باید پایداری و مقاومت ورزید و تسلیم جریان‌هایی که در پی غارت همه سرمایه‌های ایمانی و اعتقادی‌اند نشد.

آنچه درباره نقش سازنده انتظار گفته شد تنها زمانی مفهوم خود را بدرستی باز می‌یابد که بدانیم در مذهب شیعه «منجی موعود» تنها به عنوان انسان برتری که در آخرالزمان زمین را از عدالت پر می‌سازد و انسان‌های در بند را رهایی می‌بخشد مطرح نیست؛ بلکه در این مذهب او به عنوان تداوم بخش رسالت انبیا، وارث اولیای الهی و در یک کلام «حجت خدا»^۱ بر روی زمین نیز مطرح است. حجتی که زنده، شاهد و ناظر بر اعمال آدمیان است و بنابراین نقش او در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تنها به آخرالزمان و زمان ظهور منحصر نمی‌شود و وجود او در

۱. «حجّت» در لغت به معنای دلیل، برهان و راهنماست. به عبارت دیگر «آنچه را که به آن دعوی یا مطلبی را ثابت کنند» حجت گویند. (ر.ک: الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ص ۱۲۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۵۳؛ الجوزی الشرتونی اللبانی، سعید، أقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد، ج ۱، ص ۱۶۴؛ جر، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، ج ۱، ص ۸۰۸؛ عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۷۷۹). راغب اصفهانی نیز حجت را این گونه معنا کرده است: «راهنمایی آشکار به راه مستقیم و آنچه که به آن می‌توان به درستی یکی از دو تفیض پی برد» (الراغب الاصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن، ص ۱۰۷).

لحظه لحظه زندگی ساکنان زمین نقش دارد.

به اعتقاد شیعه حجّت خداوند بر روی زمین از طرفی دلیل و راهنمای آشکار مردم به سوی صراط مستقیم و از طرف دیگر ملاک و معیاری است که انسان‌ها می‌توانند با رجوع به او میزان انطباق خود را با دین خدا بسنجند.

با توجه به این مفهوم آنکه در انتظار ظهور حجّت است خود را مکلف می‌کند که تا همه مناسبات فردی و جمعی‌اش انعکاس انتظارش باشد؛ زیرا در غیر این صورت انتظار مفهوم خود را از دست می‌دهد و به لقلقه زبان تبدیل می‌شود. منتظر نمی‌داند حجّت خدا کدامین روز می‌آید؛ اما می‌داند بایستی چنان زندگی کند که هر زمانی ایشان ظهور کرد اعمال و شیوه زندگی را بپذیرد.

به بیان دیگر تنها کسانی در زمان «ظهور» سربلندند که در زمان «غیبت» در جهت تأمین رضایت مولایشان تلاش کرده باشند.

این معنا را بصراحت می‌توان از قرآن و روایات استفاده کرد. در یکی از آیات قرآن کریم آمده است:

يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ
أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا
مُنتظرون.^۱

۱. سوره انعام (۶)، آیه ۱۵۸.

روزی که برخی نشانه‌های خدا آشکار شود، ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت. بگو چشم به راه باشید، ما نیز چشم به راهیم.

در ذیل آیه یادشده، روایات متعددی به طریق شیعه و اهل سنت نقل شده که در آنها «روزی که برخی نشانه‌های خدا آشکار شود» به زمان ظهور حضرت مهدی، علیه السلام، تفسیر شده است.^۱

از جمله در روایتی که از امام صادق، علیه السلام، در تفسیر آیه مزبور وارد شده، چنین آمده است:

الآيَاتُ هُمُ الْأَئِمَّةُ، وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ هُوَ الْقَائِمُ،
عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ
قَبْلِ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَ مِنْ آبَائِهِ،
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۲

مراد از نشانه‌ها امامان هستند و آن نشانه‌ای که انتظار کشیده می‌شود، قائم، علیه السلام، است. در آن زمان ایمان کسی که پیش از قیام آن حضرت با شمشیر، ایمان نیاورده برای او سودی نخواهد داشت، اگرچه به پدران آن حضرت که پیش از او بودند، ایمان آورده باشد.

۱. ر.ک: البحرانی، السید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۱ -

۱۲۳؛ مؤسسه المعارف الاسلامیه، معجم احادیث الإمام المهدی،

علیه السلام، ج ۵، ص ۱۰۰ - ۱۰۹.

۲. الصدوق، همان، ص ۱۸.

امام صادق، علیه السلام، در روایت دیگری آیه یادشده را چنین تفسیر می‌کنند:

يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ مِنَّا ثُمَّ قَالَ، عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَا
أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ
وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا
خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ.^۱

[مراد از آن روز] زمان خروج قائم ماست که انتظارش کشیده می‌شود، آنگاه فرمود: ای ابابصیر! خوشا به حال پیروان قائم ما که در زمان غیبت او چشم به راه ظهور او بیند و در زمان ظهورش او را پیروی می‌کنند. آنها دوستان خدا هستند که نه بیمناک می‌شوند و نه اندوهگین می‌گردند.

در زیارت «ال یاسین» نیز که از ناحیه مقدسه امام عصر، علیه السلام نقل شده، با اشاره به آیه مذکور، خطاب به ائمه معصومین، علیهم السلام، آمده است:

... وَ أَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقُّ لَارِئِبٍ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا
إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمْتًا مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا.^۲

... رجعت شما [امامان] حق است و هیچ تردیدی در آن نیست، روزی که ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت.

۱. همان، ص ۳۵۷، ح ۵۴.

۲. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

با توجه به این نکته که «رجعت» از رویدادهای مقارن با عصر ظهور امام مهدی، علیه السلام است بروشنی می توان نتیجه گرفت که آیه یادشده نیز در زمان ظهور تحقق می یابد. نکته ای که از آیه و روایات یادشده استفاده می شود این است که هر کس باید تا پیش از آشکار شدن حجّت خداوند چنان زندگی کند و خود و جامعه اش را چنان بسازد که بتواند به هنگام ظهور در پیشگاه آن حضرت پاسخگو باشد؛ چرا که در آن روز دیگر توبه و پشیمانی سودی ندارد. در روایتی که پیش از این از حضرت صاحب الامر، علیه السلام، نقل کردیم، دیدیم که آن حضرت درباره وظایف شیعیان در زمان غیبت می فرماید:

پس هر یک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه که موجب خشم و ناخشنودی ما می گردد، دوری گزیند؛ زیرا فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرا می رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی بخشد.

با توجه به آنچه گفته شد در می یابیم که انتظار «حجّت» انتظاری است زنده و پویا که در لحظه لحظه حیات آدمی جاری می شود و زندگی فردی و اجتماعی او را متحول می سازد. به بیان دیگر انتظار «حجّت» تنها به زمان «آینده» مربوط نمی شود بلکه زمان «حال» را هم در بر می گیرد و می تواند منشأ تحولی اساسی در زندگی منتظر باشد.

کتابنامه

۱. ابن طاووس، السيد علی بن موسی، إقبال الأعمال، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
۲. —، مصباح الزائر، قم، مؤسسة ال البيت، علیهم السّلام، لإحياء التراث، ۱۴۱۷ق.
۳. ابن منظور، لسان العرب، تصحيح امين محمد عبد الوهاب، محمد الصادق العبيدي، ۱۵ + ۳ج، چاپ اول: بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۱۶ق.
۴. البحرانی (الحسینی)، السیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب العلمیه.
۵. جرّ، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، ۲ج، چاپ نهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۶. الحرّانی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول من آل الرسول.
۷. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، تهران: آفاق، ۱۳۷۵.
۸. خادمی شیرازی، محمد، نشانه‌های ظهور او، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸.

۹. الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، بیروت، دار الکلمات العربی، ۱۳۹۲ق.
۱۰. رکنی، محمد مهدی، نشانی از امام غایب، عجل الله تعالی فرجه، بازنگاری و تحلیل توقیعات، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۱. سلیمان، کامل، روزگار رهایی (یوم الخلاص)، ۲ج، ترجمه علی اکبر مهدوی پور، تهران.
۱۲. الشرتونی اللبانی، سعید الخوری، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، ۳ج، قم، مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ق.
۱۳. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. الصافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الإمام الثانی عشر (علیه السلام)، تهران، مرکز نشر الكتاب.
۱۵. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ۲۱ج، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۶. الصدوق (ابن بابویه)، ابو جعفر، محمد بن علی بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمة، ۲ج، در یک مجلد، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹ق.
۱۷. الطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، کتاب الغیبة، تهران، مكتبة نینوی الحدیثة.
۱۸. الطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، مصباح المتهجد، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۱۹. فیض الإسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه.
۲۰. الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۲۱. القندوزی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ۳ج، تهران،

اسوه، ۱۴۱۶ق.

۲۲. کورانی، علی، عصر ظهور، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

۲۳. الکفعمی، تقی‌الدین ابراهیم بن علی، المصباح، تهران، ۱۳۴۹.

۲۴. الكلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (شامل اصول، فروع وروضه)، ۸ج، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵.

۲۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۲ج، چاپ پنجم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۲۶. المتقی (البرهان الفوری)، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ۱۶ ج، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.

۲۷. المجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۰۷ ج، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۲۸. —، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ ج + ۲ ج مقدمه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ ق.

۲۹. میرجهانی، سید حسن، نواهب الدهور فی علائم الظهور، ۲ ج در چهار مجلد، کتابخانه صدر، ۱۳۶۹.

۳۰. النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۴۳ ج، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷.

۳۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، تهران، مكتبة الصدوق.

۳۲. النوری، حسین، نجم الثاقب، قم، آستان مقدس صاحب‌الزمان (جمکران).

۳۳. مؤسسة المعارف الإسلامیة، معجم احادیث الإمام المهدي، علیه السلام، ۵ ج، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱ ق.